

تقدیم به:

همسر و دخترانم زهرا و معصومه

- مترجم

سخن مترجم

کتاب حاضر از معدود آثار جامع و دقیقی است که به بررسی استعاره شناختی می‌پردازد. نویسنده کتاب، زُلْتَنَ کُوش، از چهره‌های نامی در مطالعات استعاره شناختی است که آثار علمی زیادی در این زمینه تألیف کرده است. ویژگیهای کلی این کتاب را می‌توان در سه بخش خلاصه کرد: نخست، بدیع بودن موضوع استعاره شناختی است. این حیطة نوین با چشم‌اندازی گسترده و کاربردی انعطاف‌پذیر و پویا، تنها سه دهه از عمر خود را پشت سر می‌گذارد و گرچه قرن‌ها مطالعه بشر در حوزه استعاره و سایر علوم ریشه دارد، درخت تناور آن صرفاً برای تزیین مناظر شعر و کلام به کار نرفته و حاوی سازوکارها و نقشهای متنوعی است که مبین جنبه‌های شناختی ذهن بشر است. نظریه استعاره مفهومی معاصر، هرچند تا رسیدن به یک نظریه علمی کامل راه طولانی در پیش دارد، اما بسیار بدیع، ساختارمند و دقیق است. دومین ویژگی این کتاب، جامع بودن آن است زیرا تقریباً تمام حوزه‌های مربوط به مطالعات شناختی استعاره را دربر می‌گیرد. تعریف استعاره، نمود آن در زبان روزمره و نیز در ادبیات، مظاهر غیرزبانی استعاره، ارتباط آن با سایر سازوکارهای شناختی مثل مجاز مفهومی، کاربرد آن در حل مسائل زبانی مثل آموزش اصطلاحات، ارتباط آن با فضاهای آمیخته و مواردی از این دست، نشانه جامع بودن اثر و انگیزه‌ای برای ترجمه آن بود. سومین ویژگی آن، نحوه ارائه مطالب است که در مقایسه با بسیاری آثار مشابه، زبانی روشن و گویا دارد و برای یک مبتدی ناآشنا با استعاره مفهومی طراحی و نگارش شده است. این کتاب حاوی تمرینهای زیادی است که هر کدام می‌تواند موضوعی برای یک تحقیق ارزشمند بر روی زبان فارسی و حوزه‌های مفهومی مختلف باشد.

لازم است از تلاشهای عالمانه جناب آقای افتخاری، ویراستار محترم این کتاب قدردانی کنم. همچنین شایسته است از زحمات بی‌دریغ سرکار خانم شجاعی، کارشناس محترم گروه ادبیات فارسی و سرکار خانم حیدری و دیگر همکاران دست‌اندرکار در سازمان سمت تشکر کنم.

پیشگفتار ویراست دوم

طی ده سال گذشته، نظریه استعاره مفهومی تبدیل به مؤثرترین و پرکاربردترین نظریه استعاره شده است. برخی پیشرفتهای پژوهشی حوزه‌های علمی دیگر که متأثر از این نظریه بوده‌اند عبارت‌اند از:
نظریه عصب‌شناختی استعاره

نظریهٔ یکپارچگی مفهومی
استعاره در گفتمان
ارتباط تجسم و استعاره
مطالعهٔ استعاره در بافت فرهنگی
ماهیت انطباق
استعاره در حرکات
مطالعهٔ استعارهٔ چندوجهی
شناسایی استعاره
پردازش استعاره
مطالعهٔ زبان‌شناختی پیکره‌ای استعاره
استعاره‌های احساس
نظریهٔ مجاز
آموزش زبان
مطالعهٔ دستور زبان

تمام این حوزه‌ها در این ویراست، تحت عنوان مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره مورد بحث قرار گرفته‌اند و دو حوزهٔ تجسم استعاره‌های احساس و استعاره در گفتمان، هر کدام بخش مستقلی را به خود اختصاص داده‌اند. «الگوهای شناختی، استعاره و صورت‌بندی» و «استعاره در گفتمان» نیز فصلهای جدیدند. در فصل آخر کتاب هم با بررسی یک مثال تلاش کرده‌ام رابطهٔ میان سلسله‌مباحث مختلف را تحت عنوان «نظریهٔ استعارهٔ مفهومی» مورد مطالعه قرار دهم.

همچنین، تلاش کرده‌ام پیشینهٔ تحقیق را تا جایی که امکان داشته روزآمد کنم. علاوه بر این، همهٔ تصاویر مجدداً رسم شده‌اند، و از این‌رو، نمایش بصری آراء بعضاً پیچیده، به گونه‌ای یکدست‌تر، جالب‌تر و روشن‌تر برای خواننده فراهم شده است.

و سرانجام اینکه دهها تمرین به تمرینهای قبلی اضافه شده است با این امید که کتاب، کاربرپسندتر و خوشایندتر شود. در عین حال، چند مورد از افزوده‌های جدید نشان‌دهندهٔ ماهیت هیجان‌انگیز، دشوار، و بعضاً مناقشبرانگیز یافته‌های پژوهشی اخیر است که امیدوارم حداقل خوراک فکری نه‌تنها دانشجویان بلکه محققان و اساتید نیز باشد.

پیشگفتار ویراست اول

مطالعه استعاره

برای بیشتر ما، استعاره، آرایه‌ای است که در آن، یک چیز با چیز دیگری مقایسه می‌شود و می‌گوییم این چیز، آن چیز دیگر است مثلاً می‌گوییم او شیر است؛ یا طبق تعریف دانشنامه بریتانیکا، «استعاره از آرایه‌هایی است که مقایسه بین دو چیز غیرمشابه را القا می‌کند؛ و از این منظر با تشبیه متفاوت است که در تشبیه، قیاس بین دو چیز با به‌کارگیری کلماتی مانند «مثل» یا «شبيه» همراه است؛ مثلاً در جمله «رستم شیر بود» ما کلمه شیر را یک استعاره محسوب می‌کنیم. گرچه این کلمه، استعاری به کار گرفته شده تا بتواند تأثیر ادبی و بلاغی داشته باشد، اما ما استعاری صحبت می‌کنیم و می‌نویسیم تا بتوانیم در قالب ارتباطی سلیس و فصیح، دیگران را با این کلام «زیبا» تحت تأثیر قرار دهیم و احساس عمیق خود را به بهترین شکل بیان کنیم. البته آنچه شناسایی کاربرد استعاری شیر به جای رستم را ممکن می‌کند، این است که رستم و شیر در شجاعت و قدرت مشترک‌اند.

در واقع، دیدگاه فوق، دیدگاه بسیار رایجی است؛ یعنی تعریف استعاره، هم در جمع متخصصان امر و هم نزد عوام معمولاً همین است (گرچه تنها دیدگاه در مورد استعاره نیست). این دیدگاه سنتی رایج و پرطرفدار، پنج ویژگی دارد: اول اینکه، استعاره مشخصه‌واژه‌هاست؛ یعنی پدیده‌ای است زبانی. کاربرد استعاری شیر، ویژگی عبارت زبانی (یعنی کلمه شیر) است. دوم اینکه، استعاره صرفاً برای اهداف هنری و بلاغی مورد استفاده قرار می‌گیرد. سوم اینکه، استعاره مبتنی است بر شباهت میان دو عنصر مقایسه‌شده. رستم باید صفات مشترکی با شیر داشته باشد تا بتوان از واژه شیر به عنوان استعاره‌ای برای آن استفاده کرد. چهارم اینکه، استعاره کاربرد آگاهانه و عامدانه کلمات است و باید توانمندی خاصی داشته باشید تا بتوانید آن را بجا و درست به کار ببرید. تنها شاعران و سخنوران و زبان‌آوران مثل شکسپیر و چرچیل می‌توانند از این ابزار به خوبی استفاده کنند. در این رابطه، ارسطو می‌گوید: «بزرگ‌ترین مهارت، مهارت در به‌کارگیری استعاره است. استعاره را نمی‌توان با چیز دیگری جایگزین کرد؛ استعاره نشانه نبوغ است». پنجم اینکه، اغلب بر این باورند که استعاره، صنعتی است که بدون آن هم کارمان راه می‌افتد، چرا که ماصرفاً استفاده‌های خاصی از آن می‌کنیم؛ و استعاره، بخش اجتناب‌ناپذیر ارتباط روزمره نیست، چه برسد به اینکه بخشی از تفکر و استدلال بشر باشد.

رویکرد جدید به استعاره که تمام جنبه‌های نظریه قدرتمند سنتی را به نحوی منسجم و نظام‌مند به چالش می‌کشد، اولین بار توسط جرج لیکاف¹ و مارک جانسون² در سال 1980 در کتابی سرنوشت‌ساز با عنوان استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم³ مطرح شد. نظرگاه آنها به عنوان «دیدگاه زبان‌شناسی

1. George Lakoff

2. Mark Johnson

3. *Metaphors We Live By*

شناختی به استعاره» معروف شد. لیکاف و جانسون با دلایل و شواهد زیر، نگاه سنتی به استعاره را به چالش کشیدند:

1. استعاره‌ویژگی مفاهیم است، نه واژه‌ها؛
2. استعاره برای درک بهتر مفاهیم به کار گرفته می‌شود، نه برای خلق زیبایی؛
3. استعاره اساساً مبتنی بر شباهت نیست؛
4. استعاره بدون هیچ تلاشی توسط عوام در زندگی روزمره استفاده می‌شود، و مختص افراد خاص (مثلاً ادبا) نیست؛

5. نه تنها استعاره، اضافی و تزئینی نیست، بلکه فرایند اجتناب‌ناپذیر تفکر و استدلال بشری است. لیکاف و جانسون به گونه‌ای متقاعدکننده نشان داده‌اند که استعاره، هم در فکر و هم در زبان روزمره

حضوری

پررنگ دارد. فرهنگ‌نگاران متأخر نیز نظر ایشان را تأیید می‌کنند. برای نمونه، راهنمای زبان انگلیسی کالینز کوپیلد 7: استعاره (که در این کتاب با عنوان فرهنگ استعاره کالینز کوپیلد به آن اشاره می‌کنیم) مثالهای استعاری بسیاری دارد، از جمله (عبارات استعاری، ایرانیک شده‌اند):

1. هیچ راه بدون دردسری برای کاهش تورم وجود ندارد؛ البته امروز زمینه برای ساختن کشور مهیا است.

2. سیاستمداران باید پاسخگوی جامعه بیمار خود باشند.

3. ... یک شاخه فرعی این سازمان

4. تنها تعدادی از آنها می‌توانستند این اقتصاد بیمار را دوباره سر پا نگه دارند.

5. کارش داشت خراب می‌شد.

6. یک مرد چگونه می‌تواند از طرز کار ذهن زن‌ها سر در بیاورد؟

7. دانشمندان در جهت شناخت بیماری آلزایمر گام‌های بزرگی برداشته‌اند.

8. امیدواریم که او تیم را در مسیر موفقیت نگه دارد.

9. چه خورشید خانومی!

10. دیروز سگ شده بود.

11. کشور در آستانه فرو افتادن به جنگ داخلی است.

12. به نگاه سرد و خیره پدرش با متانت جواب داد.

13. در پی فروپاشی اقتصاد کشور، ما نمی‌توانیم وارد جنگی دیگر شویم.

بسیاری معتقدند که برخی از این مثالها آشکارا استعاری‌اند، در حالی که برخی دیگر معتقدند استعاره بودن این مثالها چندان روشن نیست. با وجود این، می‌توان ادعا کرد که بیشتر عبارات زبانی استعاری بالا، ادبی نیستند و اکثر آنها به منظور نمایش تواناییهای زبانی یا بلاغی به کار گرفته نشده‌اند. در واقع، اغلب آنها چنان پیش‌پا افتاده‌اند که معمولاً آنها را متهم می‌کنند که استعاره‌هایی «مرده»‌اند؛ یعنی زمانی زنده و فعال بوده‌اند اما امروز به خاطر استفاده زیاد، جذابیت خود را از دست داده‌اند و دیگر استعاری نیستند.

رویکرد «استعاره مرده»، این نکته مهم را نادیده می‌گیرد که آنچه رایج و متداول است، کمتر مورد توجه است، و بنابراین چون بسیار به کار می‌رود، در ذهن ما فعال‌تر و زنده‌تر است. استعاره‌های بالا ممکن است بسیار قراردادی و رایج، و بسیار پرکاربرد باشند، اما این به این معنی نیست که در ذهن اهل زبان فعال نیستند و مرده‌اند؛ بلکه برعکس، آنها به معنای واقعی کلمه «زنده» هستند، و حاکم بر ذهن ما. این استعاره‌ها، از این منظر، «استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم» هستند مثلاً درک ما از ذهن به مثابه دستگاه است. به این مثال که پیش‌تر هم آوردیم توجه کنید:

یک مرد چگونه می‌تواند از طرز کار ذهن زنها سر در بیاورد؟

ما ذهن را به مثابه دستگاه می‌پنداریم. هم عوام و هم دانشمندان به همین روش، ذهن را درک می‌کنند. امروزه دانشمندان از پیچیده‌ترین دستگاهها (رایانه) استفاده می‌کنند. لیکاف و جانسون این نوع درک ذهن را استعاره ذهن دستگاه است می‌دانند. از نظر آنها این‌طور نیست که استعاره صرفاً مربوط به واژه‌ها یا عبارات زبانی باشد بلکه مربوط به مفاهیم، و نیز فکر کردن به چیزی به واسطه چیز دیگر است. در مثال بالا، یک عبارت زبانی، ابعاد یک مفهوم (ذهن) را از راه مفهوم دیگر (دستگاه) به دست می‌دهد. از منظر زبان‌شناسی شناختی، آن‌طور که لیکاف و جانسون نوشته‌اند، استعاره‌ذاتاً مفهومی است. استعاره در این رویکرد، دیگر ابزار تخیل لیبی خلاق نیست؛ بلکه ابزار شناختی قدرتمندی است که بدون آن نه شاعران و نه من و شما در مقام افراد عادی قادر به ادامه زندگی نخواهیم بود.

این بحث به آن معنی نیست که آنچه ما «دیدگاه زبان‌شناختی شناختی به استعاره» می‌نامیم، قبل از سال 1980 وجود نداشته است. طیف گسترده‌ای از متخصصان طی دو هزار سال گذشته، اجزای مهم این نظریه را مطرح و تکمیل کرده‌اند مثلاً فیلسوفانی مثل لاک و کانت، چند سده قبل درباره ماهیت مفهومی استعاره بحث کرده‌اند. حال پرسش اینجاست که چه چیز دیدگاه زبان‌شناسی شناختی درباره استعاره جدید است؟

والاً، این نظریه جامع است؛ به این دلیل که بسیاری از مسائل مرتبط با استعاره را پوشش می‌دهد. این مسائل عبارت‌اند از نظام‌مندی استعاره؛ ارتباط بین استعاره و آرایه‌های دیگر؛ جهان‌شمولی و فرهنگ‌مقیّد بودن استعاره؛ کاربرد آن در طیف متنوعی از گفتمانها مثل ادبیات؛ آموزش استعاره؛ یاد دادن استعاره در آموزش زبان خارجی؛ و حضور صورتهای غیرزبانی استعاره در حوزه‌های مختلفی مثل آگهیهای تجاری. ادعا این نیست که سایر رویکردها به این مسائل نپرداخته‌اند، بلکه منظور این است که همه آنها در قالب یک نظریه واحد مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

ثانیاً، این نظریه، نظریه‌ای قابل تعمیم است؛ یعنی تلاش دارد آنچه را ما درباره استعاره مفهومی می‌دانیم به کارکرد زبان و سازوکار نظام مفهومی انسان و کارکرد فرهنگ مرتبط کند. رویکرد زبان‌شناسی شناختی به استعاره در ارتباط با چگونگی کارکرد برخی پدیده‌های زبانی خاص مثل چندمعنایی و گسترش معنایی، افقهای جدیدی به روی ما می‌گشاید. همچنین، چگونگی تبلور و ظهور معنای استعاره را نیز روشن می‌کند. این نظریه، دیدگاه سنتی را که طبق آن، زبان و تفکر استعاری، دلبخواهی و غیرانگیزخته است به چالش می‌کشد و این نگاه تازه را مطرح می‌کند که هم زبان و هم تفکر استعاری از تجربه (حسی - حرکتی) جسمانی

انسانها سرچشمه می‌گیرد. در واقع، مفهوم «جست‌م» مرز دیدگاه زبان‌شناسی شناختی با رویکردهای سنتی است.

ثالثاً، این نظریه از لحاظ تجربی بارها به بوتهٔ آزمایش گذاشته شده و پژوهشگران انواع آزمایشها را روی آن انجام داده‌اند تا اعتبار گزاره‌های اصلی آن را محک بزنند. این آزمایشها نشان داده‌اند که رویکرد زبان‌شناختی استعاره، دیدگاهی کارآمد و معتبر است و این نظریه دارای واقعیت روان‌شناختی است. مطالعات نشان داده‌اند که این نظریه به خاطر همین واقعیت روان‌شناختی، نه‌تنها در خلق واژه‌ها و عبارات جدید ابزاری مهم محسوب می‌شود، بلکه عاملی اساسی در سازماندهی ذهن انسان است و از این‌رو، کاربردهای عملی مفیدی مثلاً در آموزش زبان دارد. به بیشتر این موضوعات در این کتاب خواهیم پرداخت، گرچه با توجه به حجم کتاب، به اجمال و اختصار دربارهٔ آنها بحث خواهیم کرد.

استعاره اساساً مورد توجه فیلسوفان، عالمان فن بیان و بلاغت، منتقدان ادبی، روان‌شناسان و زبان‌شناسان بوده و در طول دو هزار سال گذشته می‌توان به نامهایی همچون ارسطو، هیوم، لاک، وکو، هردر، کاسیرر، بولر، ریچاردز، وُرف، گودمن و مکس بلک اشاره کرد. امروزه، تعداد قابل توجهی از دانشمندان شناختی از جمله زبان‌شناسان شناختی مشغول تحقیق در حوزهٔ استعاره هستند، چرا که استعاره نقشی کلیدی در تفکر، درک و استدلال بشر، و فراتر از آن در ایجاد واقعیت اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی ما دارد. بنابراین، تلاش در درک استعاره به معنی تلاش برای فهمیدن این مقولهٔ حیاتی است که ما کیستیم و کجا زندگی می‌کنیم.

لیکاف و جانسون مطالعهٔ استعاره را تقریباً سی سال قبل شروع کردند. می‌توان گفت این کار آنها بود که تا اندازه‌ای زبان‌شناسی شناختی را به ما شناساند. بسیاری از متخصصان رشته‌های مختلف در طول این سالها کار آنها را بهبود بخشیدند و به نتایج جدید و مهمی در مطالعهٔ استعاره دست یافتند. موضوع این کتاب نیز همین است که در سه دههٔ گذشته در رویکرد زبان‌شناسی شناختی به استعاره چه اتفاقاتی افتاده است.

مطالعهٔ بیشتر

اگر می‌خواهید در مورد پیشینهٔ استعاره مطالعه کنید، به مجموعه مقالات اندرو اُرتونی⁴، ویراستار، در کتاب استعاره و تفکر⁵ (1993) ویراست دوم مراجعه کنید. به‌ویژه اینکه، این اثر حاوی مقالاتی است که دیدگاه مخالفان دربارهٔ زبان‌شناسی شناختی را ارائه می‌کنند. جامع‌ترین و معتبرترین مجموعه مقالات دربارهٔ استعاره متعلق است به ریچارد گیبز⁶، ویراستار، راهنمای استعاره و تفکر کمبریج⁷ (2008). حالا زمان آن است که کتاب استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم اثر لیکاف و جانسون را بخوانید؛ کتابی که سرآغاز مطالعهٔ استعاره از منظر شناختی است. لیکاف و جانسون و دیگران در بوطیقای ذهن⁸ (1994)، ویرایش ری گیبز نگاهی بی‌نظیر به استعاره ارائه می‌کنند. در این اثر در مورد شواهد روان‌شناختی متعددی در تأیید رویکرد شناختی به استعاره نیز بحث شده است. اولاف جاکل⁹ با اثری تحت عنوان کانت، بلومن‌برگ، وینریخ¹⁰

4. Andrew Ortony

5. *Metaphor and Thought*

6. Raymond Gibbs

7. *The Cambridge Handbook of Metaphor and Thought*

8. *Poetics of Mind*

9. Olaf Jäkel

(1999) مروری ارزشمند بر مهم‌ترین پیشگامان دیدگاه زبان‌شناسی شناختی دارد. اگر به تاریخچه مطالعه استعاره علاقه‌مند هستید، بهتر است مارک جانسون، ویراستار، چشم‌اندازهای فلسفی استعاره¹¹ (1981) را بخوانید. مجموعه مقالاتی که نمایانگر روح شناختی استعاره هستند، در کتابی ویراسته ریموند گیبز و جرارد استین¹² با عنوان استعاره در زبان‌شناسی شناختی¹³ (1999) گردآوری شده‌اند. فرهنگ استعاره‌ای که در بالا به آن اشاره شد، نوشته آلیس دیگنان¹⁴ با عنوان راهنمای زبان انگلیسی کالینز کوپیلد 7: استعاره (1995) است.

10. Kant, Blumenberg, Weinrich

11. *Philosophical Perspectives on Metaphor*

12. Gerard Steen

13. *Metaphor in Cognitive Linguistics*

14. Alice Deignan